

خداوند در میان صفات بندگانه خالص خود می فرماید: «والذین اذا انفقوا لم يسرفوا ولم يقتروا وكان بين ذلك قواماً»^۱ و کسانی که در وقت انفاق نه اسراف می کنند و نه بخل می ورزند بلکه راهی میانه آنها انتخاب می کنند. انفاق یعنی بذل و مصرف کردن مال چه در راه رفع حوائج خود باشد و چه در راه کمک به دیگران. و اسراف به معنای تجاوز از حد متعارف و معقول است در هر امری و بیشتر در مورد مصرف مال گفته می شود. و اقتار به معنای امساک و بخل ورزیدن است چه در مورد دیگران باشد و چه در مورد نیازهای خود انسان.

اقتصاد و میانه روی

این آیه شریفه که در ضمن آیاتی آمده است که صفات بندگانه خدا (عباد الرحمن) را می شمارد، دعوت می کند همه انسانها را به اقتصاد در مصرف و میانه روی و اعتدال در بکار گرفتن و استفاده کردن از نعمتهای الهی. زیرا این نعمتها برای همه افراد انسان است و آنان که قنوت بدست آوردن مقدار زیادی از آنها را دارند اگر در مصرف کردن آنها زیاده روی کنند، طبیعی است حق بیچارگانی که قدرت کافی برای تسلط بر آنچه می خواهند ندارند، ضایع می شود و به مقدار ضرورت و حاجت نیز دست نخواهند یافت و لذا امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «ما جاع فقیر الا بما منع غنی» هیچ مستمندی گرسنه نمی شود مگر در اثر خوشگذرانیهای شروتمندان. و از سوی دیگر به مقدار متعارف و مناسب باید از نعمتهای خداوند برخوردار بود و نباید بر خود و افرادی که تحت تکفل آنها هستند در زنده گن و همیشه سخت گرفت. این هر دو سوی افراط و تفریط در مصرف از نظر قرآن نکوهیده است.

پژوهشگاه علوم انسانی
رتال جامع علوم انسانی

تبذیر و اسراف

در جای دیگر می فرماید: «وآت ذا القربى حقه والمسكين وابن السبيل ولا تبذروا ثبیراً ان المبذرين كانوا اخوان الشیاطین وکان الشیطان لرتبه کفوراً»^۲

حقوق خویشان و فقرا و درماندگان را بپرداز و از بیسوده پراکندن مال بپرهیز که اینگونه افراد، برادران شیاطینند و با آنها همراهند و شیطان کسی است که به نعمت پروردگار خویش کفر ورزید (از قدرت خدادادی در راه باطل استفاده کرد).

تبذیر در لغت به معنای پراکنده ساختن است و از این باب تخمی را که برای کشت می باشند بذر گفته می شود. ولی در مورد اموال،

اسراف و اقتار



اسراف و افتار

تبذیر تنها در موردی گفته می شود که پراکنده ساختن بیهوده یا در راه فساد باشد. آیه مبارکه، مبذیرین را برادران شیاطین خوانده است، هر کدام از آنها برادری از شیاطین دارد همچنانکه در آیه دیگر هرتبیهکاری را قرین شیاطنی دانسته است. و ظاهراً جمله آخر در مقام تعلیل است یعنی علت و سبب این که مسرفان و مبذران برادران شیطانند این است که شیطان نعمت خدا را در غیر مورد صرف نمود و بدان کافر شد و اینان نیز چنینند.

در روایات نیز تأکید بسیار بر اقتصاد و میانه روی در مصرف شده است.

از رسول اکرم «ص» نقل شده است که فرمود: «الافتصاد فی النفقة نصف المعیشة» میانه روی در مصرف نصف بارزندگی را تأمین می کند. و همچنین فرمود: «من قدر، رزقه الله ومن بذر، حرمه الله» کسی که اندازه گیری در مصرف داشته باشد خداوند او را روزی دهد و کسی که تبذیر کند خداوند او را محروم سازد.

امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: «کن سمحاً ولا تكن مبذراً و کن مقدراً ولا تكن مقفراً» دست و دل باز باش اما تبذیر و ولخرجی نکن. و اندازه گیر و حسابگر باش اما خسیس و کنسک مباش. و در روایتی از امام زین العابدین «ع» که در بیان انواع گناهان آمده است، در ضمن گناهانی که موجب پرده دری (انکشاف غطاء) و رسوا شدن می شود چنین می فرماید: «والذنوب التي تكتشف الغطاء، الاستدانة بغیر تبة الاداء والاسراف فی النفقة علی الباطل والبخل علی الاهل والولد وذوی الارحام...»^۲

از گناهانی که موجب رسوائی می شود، اسراف در مصارف بیهوده و ولخرجی و بخل و خسیسی درباره زن و فرزند و خویشان است. پس هر دو سوی افراط و تفریط در این امر طبق این روایت یک نتیجه سوء دارد.

و از امام صادق به سند معتبر نقل شده است که فرمود: «ان الفصد امر یجبه الله عز و جل وان السرف بیغضه حتی طرحک التواء فاتها نصلح لشیء و حتی صبتک فضل شربک».

میانه روی امری است که خداوند آن را دوست دارد و اسراف را نکوهیده می داند حتی در دور انداختن هسته خرما که آن نیز به کار می آید و همچنین ریختن پس مانده آب پس از آشامیدن.

و در روایت دیگری از امام صادق «ع» نقل شده است که جماعتی در خدمت ایشان بودند و ایشان دستور داد رطلب (خرمای تازه) آوردند، یکی از حاضرین هسته ها را دور می ریخت امام صادق «ع» دست او را گرفت و گفت نکن که این از تبذیر است و خداوند فساد را دوست ندارد. و در روایت دیگر فرمود: «ادنی الاسراف هراقه فضل الاناء و ابتذال ثوب الصون و القاء النوی» یعنی کمترین اسراف ریختن پس مانده آب در ظرف و پوشیدن لباس آبرومندانه بیرون در خانه و دور انداختن هسته خرما است.

مرز اسراف و میانه روی

نباید گمان شود که این دقتها مبالغه است زیرا هسته خرما در آن زمان برای سوخت مورد استفاده بوده و در جاهانی که دامداری باشد خوراک دام است و در چنین مواردی بیرون انداختن آن اسراف خواهد بود. گرچه اکنون در شهرها معمولاً آن را بیرون می اندازند و اسراف شمرده نمی شود زیرا اکنون دیگر به کار نمی آید و با وضع فعلی اگر بخواهند آن را مورد استفاده قرار دهند برای افراد خرج زیاد دارد و به قول معروف آفتابه خرج لحیم می شود ولی در آن زمان چنین نبوده و در بسیاری از روستاها که خرما در آنجا هست هم اکنون نیز ممکن است مورد استفاده واقع شود. پس اسراف در هر زمان و مکانی فرق می کند. ریختن پس مانده آب بر لب جوی آب اسراف نیست ولی در جاهای دیگر اسراف است. حال با این دقتی که امام طبق این روایت معتبر در امر اسراف فرموده اند، روش کنونی مصرف آب در شهرها و بخصوص در خانه توانگران را چه باید دانست؟! اگر آن اسراف است این اسراف در اسراف است.

بلکه باید جامعه اسلامی به گونه ای تربیت شود که همان هسته خرما نیز در نظرش ناچیز و حقیر نیاید و تا حد ممکن از آن استفاده کند. اکنون بشر متمردن می کوشد که از کوچکترین اشغال بهره برداری کند زیرا آنچه ما به صورت اشغال روزانه صدها کامیون به خارج شهر برده و به آتش می کشیم چیزی نیست جز همان مواد اولیه لازم برای زندگی که به این صورت در آمده است. قطعاً است از لاستیک و چرم و نایلون و پارچه و آهن و مس و روی و چوب و کاغذ و... که هر کدام از اینها اگر جمع شود ثروت عظیمی است که بدست ما ناپود می گردد. اگر این کاغذهای باطله و روزنامه ها و مجلات و سایر انواع کاغذی که دور ریخته می شود و در آخر به آتش کشیده می شود و تنها اثری که از آن باقی می ماند آلوده کردن هوا است، اگر اینها همه گردآوری شود و دو باره خمیر

گردد و بصورت کاغذ جدید عرضه شود. چه تحول شگرفی در رفع نیاز کشور به کاغذ صورت خواهد گرفت؟! و چقدر از صدور ارز به خارج و وابستگی کم خواهد شد؟! و همچنین سایر مواد اولیه. بلکه از ته مانند غذاها و موادی که با یک خمیر کردن یا ذوب کردن به صورت مفیدی بر نمی گردد نیز استفاده تهیه نمود می شود، بنابر این از هر نوع آشغال که به نظر ما بیرون ریختنی است می توان استفاده کرد.

ما پیشنهاد می کنیم که دولت با یک برنامه منظم و حساب شده ای از مردم بخواهد دو سطل آشغال برای منزل، مغازه، اداره، کارخانه و غیره قرار دهند که در یکی مواد فاسد شدنی مانند ته مانده غذا و مانند آن باشد و در دیگری چیزهایی که می تواند مواد خام برای صنایع مختلف باشد جمع آوری گردد، مسلماً در یک مدت کوتاه مقادیر زیادی از این مواد اولیه بدست خواهد آمد با هزینه ای بسیار ناچیز.

توقع از جامعه اسلامی ایران

اسراف و اقتدار در جامعه کنونی ما موارد بسیاری دارد که ما به بعضی از آنها اشاره ای می کنیم تا برای عموم هموطنان عزیز تذکری باشد که مبدا از راه کفران نعمت خدای نخواستگرفتار غضب الهی شویم و چه بسیارند ملتها و امتیانی که به دلیل اسراف و کفران نعمت مورد خشم خداوند قهار قرار گرفتند و نعمت از آنان سلب شد گر چه ملت شریف ایران قدردان نعمتهای الهی هستند ولی هر چه کمال انسان (چه فرد و چه اجتماع) در مرحله ای بالاتر و ایمان انسان محکم تر و معرفت و دانشش بیشتر باشد سطح توقع از او بالاتر خواهد بود و اگر بعضی از جهات نسبت به جامعه هایی که از آداب و سنن اسلامی دور هستند عیبی شمرده نشود ولی از جامعه ای مرفقی و دانشمند و پای بند به احکام دین و مذهب و سنت و سیره رسول اکرم «ص» و اهل بیت عصمت علیهم السلام و از مردمی که از هر علقه ای از علایق دنیا در راه خدا و حق چشم می پوشند عیب شمرده می شود. و این سطح توقع هم در جامعه بشریت است و هم در تاریخ انسان و هم در پیشگاه الهی، اما در سطح جامعه بشر هم اکنون ملاحظه می کنیم که هر کار بزرگ و هر فداکاری که در جامعه اسلامی و انقلابی ما مشاهده می شود برای همه جامعه ها و ملتها الگو قرار می گیرد و از سوی دیگر هر عیب و نقص گر چه بسیار کوچک باشد زیر ذره بین قرار داده می شود و دوست و دشمن آن را بزرگ می بینند در حالی که همان عیب در جامعه های دیگر اصلاً مورد توجه قرار نمی گیرد. اگر مسافری وارد فرودگاه ایران بشود و با او بدرفتاری شود (که متأسفانه گاهی می شود) آنقدر برای او غیر قابل

تحمل و دور از توقع است که گاهی فوراً به فکر بلیط برگشت می افتد در حالی که ممکن است رفتار بدتر از آن را در جاهای دیگر تحمل کند. بنابراین ما باید کوچکترین عیب خود را قبل از دیگران زیر ذره بین قرار دهیم و در رفع آن کوشا باشیم.

و اما در تاریخ بشریت شک نیست همچنانکه فداکاریهای عظیم این ملت ثبت می شود اشتباهات آن نیز برای عبرت آیندگان ثبت خواهد شد مخصوصاً اگر این اشتباهات خدای نخواست موجب پی آمدهای ناخوش آیندی باشد.

و اما در پیشگاه الهی که همه می دانیم حسابگری هر انسان به مقدار تمام شدن حجت بر او است. هر چه وسائل رشد فکری و تبلیغ دین و مذهب و دانش در جامعه بیشتر باشد مسئولیت افراد به همان اندازه بیشتر خواهد شد و بی گمان، خداوند یک انسانی را که در ایران - با دسترسی به مطمئن ترین منبع احکام الهی - زندگی می کند محاسبه ای دقیق تر خواهد فرمود و او را بر هر اشتباه و لغزش مورد موزنش یا عقوبت قرار خواهد داد. در حدیث است که خداوند هفتاد گناه جاهل را می بخشد در حالی که هنوز از عالم، یک گناه هم نپخشیده است. این علم و جهل، مراتب و درجات دارد؛ منظور از جاهل عوام نیست و منظور از عالم نیز روحانی نمی باشد، بلکه در هر مسئله ای عالم و جاهل دارد و آن هم به نسیبهای متفاوت.

بنابراین، باید ملت شریف ایران متوجه باشد که با پیشرفت دانش و تعالیم اسلامی در جامعه مسئولیت افراد نیز بیشتر می شود. البته تصایب تصور کرد که اگر چنین است پس بهتر آن است که از دانش دور باشیم و تبلیغ احکام و معارف اسلامی نکیم تا مسئولیت کم شود! نه، چنین نیست.

و آن الجاهل می مسئولیت ندارد که حجت بر او تمام نباشد و همین قدر که مسئله به گوش او خورد و احتمال عقلانی برای او پیش آمد، باید در پی تحصیل علم باشد و در روز حساب از انسان سؤال می شود که چرا چنین کردی و چرا چنان نکردی و چون جهل را عنذر قرار دهد به او گفته می شود: «هلا تعلمت» چرا یاد نگرفتی؟ انسان به دلیل عقلش مسئولیت دارد، نمی تواند سر در لاک خود فرو برد و بگوید من نمی دانم، پس مسئول نیستم.

اسراف در آب

باز گردیم به اصل مطلب که بیان موارد اسراف در جامعه کنونی ما است:

۱- یکی از موارد اسراف در شهرها و بخصوص در خانه های توانگران، مصرف آب است. آب، این ماده حیاتی که در طول تاریخ

در اینجا باید اشاره ای کنیم به موارد تفریط در مصرف آب که البته غالباً منشأ آن جهالت و نادانی یا تبیلی است. افرادی که نه ملاحظه طهارت و پاکی می کنند و نه نظافت و تمیزی چه از نظر بدن و لباس و چه از نظر خوراک، با اینقدر تأکید بر لزوم شستن میوه و سبزیجات از سوی شارع مقدس و مسئولین بهداشت، بسیار دیده می شود که افرادی میوه را نشسته می خورند. از نظر بهداشت عمومی مسئله ای که باید مورد توجه قرار گیرد، نظافت مراکز تأمین غذای عمومی است مانند چلوکبابها، قنادیها، نانوائیها، لبنیاتها، آب میوه فروشیها و غیر ذلك بسیار دیده شده است که شاطر نانوا بادستی که کفش خود را اصلاح می کند بدون اینکه بشوید مشغول تهیه نان می شود! در اینجا نیز باید دولت نظارت بهداشتی شدید بر همه مراکز تهیه و تولید مواد غذایی داشته باشد، متأسفانه باید گفت در کشورهایی که خیلی از ایران از نظر تمدن عقب مانده ترند اصل بهداشت عمومی و بخصوص در مورد مواد غذایی بیشتر ملاحظه می شود. باید از تولید بسیاری از مواد غذایی که معمولاً کودکان مشتری آنها هستند مانند کشک و قارقروت، لواشک، نمر هندی و... از چیزهایی که خود سازندگان آنها حکایتها در آلودگی این مواد نقل می کنند و همچنین از فروش آنها شدیداً جلوگیری شود. دولت مسئول بهداشت عمومی و بخصوص کودکان است. و در مراکز تهیه و تولید مواد غذایی باید دستورالعمل بهداشتی از سوی مراکز بهداشت کشور وجود داشته باشد و شدیداً متخلفین مورد مجازات واقع شوند. متأسفانه باید گفت بعضی از آب میوه فروشیها حتی یک شیر آب هم ندارند و با یک گاری و سطل آب باعث انتقال بسیاری از بیماریها می شوند. به هر حال سخن در این زمینه بسیار طولانی است و فعلاً مورد بحث در این مقاله نیست و این تذکر فقط برای بیان مورد تفریط در مصرف آب بود که خود نیز رشته ای است که سر دراز دارد.

ادامه دارد

۱- فرقان - ۶۷

۲- اسراه - ۲۶ - ۲۷

۳- معانی الاخبار ص ۲۷۱



همیشه فکر و نیروی بشر را به سوی خود جلب کرده است و نه تنها بشر که حیوانات نیز همیشه سرگردان آیند. تمدن بشریت همیشه گرداگرد آب بوده است. هر کجای زمین که آب مورد نیاز بشر وجود داشته باشد شهرها و روستاها ساخته می شود. به نقشه نگاه کنید هر جا از کثرت جمعیت و به هم پیوستن آبادیها سیاه شده است بدانید در آنجا آب هست. شاید بسیاری از شهرنشینان جوان هنوز هم متوجه نباشند که این آب که بدین فراوانی و آسانی در دسترس است چه نعمت بزرگی است، اگر از پدرها و مادرها پرسند که در گذشته برای آب آشامیدنی یا شستن چه رنجهایی متحمل می شدند و اگر به روستاهایی که در حاشیه کویر و در استانهای کم آب قرار دارد سفری کنند قدر این آب را خواهند دانست و آن وقت است که می پذیرند: ریختن پس مانده آب در لیوان نیز اسراف و تبذیر است. اگر هر کدام از ما وقتی شیر آب را با شدت هر چه تمام تر و با نهایت بی اعتنائی باز می کنیم و در موارد بیهوده مصرف می کنیم یا در موارد لازم، بدون ملاحظه مقدار نیاز، این نعمت خداداد را بیش از اندازه لازم سرازیر چاه یا جوی می کنیم اگر در آن وقت متوجه باشیم که بسیاری از هموطنان ما در روستاها و شهرهای کوچک از داشتن یک شیر آب بهداشتی نیز محرومند و اگر متوجه باشیم که رسیدن آب بدست ما چقدر برای دولت هزینه دارد. آن هم از مالی که متعلق به همه افراد ملت است. بدون شک اگر ذره ای بیداری وجدان داشته باشیم شیر آب را کم تر باز می کنیم. و اگر آنهایی که در شمال شهر تهران استخرهای بزرگ را هر روز پر می کنند و پس از یک روز خوشگذرانی آنها را سرازیر چاه می سازند، اگر متوجه باشند که با آن باز کردن شیر بزرگ از رسیدن آب به آن هم وطنی که در پایین شهر باید از شیر خیبانان برای آب آشامیدن ظرفهای خود را پر کند جلوگیری می کند؛ قطعاً می پذیرد که این کار خلاف وجدان پاک انسانی است و دولت حق دارد از این کار جلوگیری کند.

پیشنهاد ما در این زمینه این است که دولت برای آب نیز مانند برق نرخ تصاعدی قرار دهد و تا اندازه ای که معمولاً در خانه ها مصرف می شود به نرخ معمولی باشد در صورت تجاوز از آن مقدار، نرخ را بالا ببرند و همچنان در تصاعد باشد تا از این اسرافها و ظلمها جلوگیری شود و اگر این هم مفید واقع نشد می تواند دولت اخطار کند که اگر کسی مصرف رابه آن حد برساند که موجب ضرر بر سایرین بشود آب اوقف می گردد. کسانی که می خواهند روزانه استخر خود را پر و خالی کنند از آب چاه استفاده کنند در حکومت عدل اسلامی قابل تحمل نیست که اکثریت ساکنین یک شهر از آب ضروری خود محروم بمانند برای اینکه ناز پرورده ها می خواهند هر روز در استخر آب تنی کنند یا مسابقه شنا!